

## تشابهات و تفاوتها در قرارداد ترکمانچای

### موافقتنامه ۵+۱

### قسمت اول

امیرفیض- حقوقدان

قیاس یا مقایسه، یکی از وسایل و ابزار معمولی است برای سنجش دوجیز که نسبت حقوقی و یا دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی مشترک دارند.

این تحریر قاصد است که تشابهات و تفاوت های کلی حقوقی و سیاسی موافقتنامه ۵+۱ را با قرارداد ترکمانچای به نقد آورد.

### نخست تشابهات مشترک

یکی از برجسته ترین تشابهات مشترک، نقش روحانیون و مذهب تشیع در زمان قرارداد ترکمانچای و موافقتنامه ۵+۱ است.

درست است که در زمان امضای قرارداد ترکمانچای نظام سیاسی ایران سلطنتی بود ولی در آن زمان و در تمام دوران قاجار و حتی صفویه، سلطنت، مشروعیت خود را از روحانیون اعظم می گرفت چنانکه شیخ جعفر نجفی >باشرا نطی چند به فتحعلیشاه اذن و اجازه سلطنت داد<.

روحانیون در رابطه با جنگ باروس به فتحعلیشاه تذکر شرعی دادند که >اگر شاه، اقدام به جنگ باروسیه نکند آنها راسا اقدام خواهند کرد و رهبر دیگری انتخاب خواهند کرد< محققین نوشته اند مفهوم این تذکر، حکم ارتداد شاه را در برداشت.

یکی از مورخین نوشته است که فتحعلیشاه که قلبا مایل به جنگ نبود نوشته ای از اعلم روحانیون دریافت کرد که در کفن او باشد تا برائت خود را در قیامت، از جنگ ثابت کند.

اذن و اجازه سلطنت از سوی روحانیون اعظم، قدرت و امکان شخصی روحانیت نیست، فلسفه تشیع حکم بر آن دارد.

چنانکه خمینی هم میگفت شاه باید منصوب روحانیون باشد و منتظری هم در کتابش نوشته: >شاه حاکم بر مردم، و روحانیون حاکم بر شاه هستند<.<sup>۱</sup>

با این تفاوت که در زمان فتحعلیشاه هیچ تصمیمی از جانب حکومت و شاه بدون اذن روحانیون ممکن نبود و از پس از مشروطیت خاصه در دوران سلطنت شاهان پهلوی قدرت مزبور گسیخته شد و اکنون همانطور که میدانید هیچ تصمیمی در ایران بدون حضور روحانیون و در صدر همه آنها ولایت فقیه گرفته نمیشود.

<sup>۱</sup> - یکی از بزرگترین ناراحتی و عصبانیت های آخوند ها این بود که شاهنشاه در تاجگذاری از آخوند استفاده نکرده بودند و شخصا تاج را بر سر می گذارند. ح-ک

دائرة این حکومت را میتوان درسرخنان محمد یزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی شناخت که گفته است: <غیروحانی حق دخالت درسیاست راندارد> (روزنامه سلام سال ۷۶ مشروح درسنگر ۲۴۴+۳۳۲)

نتیجه اینکه بین حکومت روحانیون و حرف آخر آنها چه درزمان عهد نامه ترکمانچای و چه اکنون که موافقت نامه ۵+۱ امضا شده است تشابه مسلم و غیرقابل تفکیک ذاتی و فلسفی وجود داشته و دارد.

## باب مسئولیت در قرارداد ترکمانچای و ۵+۱

باوجود وجه مشترک جو حقوقی و مذهبی قرارداد ترکمانچای و ۵+۱، نمیتوان باریکه هائی که نشان از جدائی مسئولیت ها را دارد نادیده گرفت.

درهنگام تنظیم قرارداد ترکمانچای قانون اساسی و مجلس وجود نداشت، بنابراین به اعتباررابطه اجتهاد و تقلید، مسئولیت ها متوجه مراجع، و چون مراجع شرعا ازفساد فتوا مصون بودند مسئولیت ها کاملا متوجه ملت میشد بدون اینکه اساسا ملت بداند که نتیجه جنگی که براساس فتوای علما درماهیت جهاد آغاز شده به کجا کشیده شده و چه تعهداتی برایران تحمیل گردیده است.

مورخینی که درجریان تحقیق جنگهای روس وایران ودرنهایت قرارداد های گلستان و ترکمانچای قرارگرفته، نوشته اند: <اکثریت مردم هیچ خبرنداشتند که درقفقازجنگی صورت گرفته و احتمالا پایان یافته است. هر قدر قرارداد گلستان برای دولت واجد اهمیت بود ولی برای مردم اهمیتی نداشت.>

ولی اکنون که موافقتنامه ۵+۱ مطرح است، حقوقی درقانون اساسی جمهوری اسلامی وجود یافته که ملت را درمسئولیت ناشیه ازفساد موافقتنامه ۵+۱ شریک میسازد زیرا مردم به این حکومت رای داده اند! تصویب موافقتنامه هرچه باشد ازحقوق آنهاست (صراحت قانون اساسی) بنابراین اگر آنها از این حقوق استفاده کنند و جریان موافقتنامه را قطع ویا آنرا اصلاح کنند، از مسئولیت فساد موافقت نامه مبری خواهند بود واگردرجهت تاکیدات حکومت و هواداری و تسلیم به موافقتنامه عمل کنند، سنگینی بارمسئولیت، متوجه مردم خواهد شد ودراین صورت است که گفته میشود؛ <موافقتنامه با سیرمراحل قانونی بتصویب ملت ایران رسیده است> روالی که درتصویب قرارداد ترکمانچای ممکن الوجود نبود.

## وجه مشترک نفع عمومی و منافع ملی

دراین باب اجازه فرمائید قبل از ورود به وجه مشترک، مختصرتوضیحی درباب نفع مردم و منافع ملت ویا منافع ملی داشته باشیم

نفع عمومی ویا منافع مردم به منافی اطلاق میشود که متوجه نسل حاضر باشد مانند فراهم بودن نان و آب و کارومسائلی ازاین دست ولی منافع ملی ویا منافع ملت، متوجه عواملی است که متوجه ملت است یعنی نسلهائی که در گذشته وهم اکنون ودر آینده در سرزمین ایران زندگی کرده و خواهند کرد. مانند استقلال، تمامیت ارضی، غرور ملی وافتخارات که از نسلی به نسلی منتقل میشود.

منافع مردم موقتی وزود گذروبی ریشه است و سبب رضایت منتفعین و یا عدم رضایت محرومین از آن منافع میگردد، ولی منافع ملی یک مسیری است که همه افراد ملت در حفظ و حراست و یا نفع و خسران آن شریک اند

**حاشیه** = از آنجا که در برنامه افق مسئله منافع ملی مطرح شد و آقای دهقانپور بدلالات سیاست جدید آمریکا با دولت روحانی، باترتیب دادن برنامه مزبور میخواست اقدامات دولت روحانی رادرموافقتنامه ۵+۱ در قالب منافع ملی جاسازی کند، لذا بنظر میرسد که تحریر حاضر پاسخگوی تلاش بی ثمر آقای دهقانپور هم باشد (پایان حاشیه)

جنگ ایران و روسیه که منجر به قرارداد های گلستان و ترکمانچای شد، گرچه با انگیزه های مذهبی آغاز شد ولی ماهیت منافع ملی را داشت یعنی حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران.

وقتی جنگ پایان یافت گروهی از رعایا که در جنگ شرکت داشتند بالطبع بابرگشت به شهرها و دهات و مزارع خود، رفاهی بمراتب بیشتر از ایام جنگ یافتند، لذا بطریق اولی قرارداد های دولت ایران و روسیه برای مردم آن زمان واجد منافع بود ولی پشت سر آن منافع عمومی مردم، فلاکت و ذلت منافع ملی که از دست رفتن شهرهای آباد ایران بود، کم کم چهره پلید و خفت آور خود را نشان داد.

حتی میتوان گفت که سالیان دراز طول کشید که درک عمومی ایرانیان متوجه زیان های قرارداد های ترکمانچای و گلستان بشود.

مسیری راکه موافقتنامه ۵+۱ طی میکند شباهت تامه ای با مسیری است که عهدنامه گلستان و ترکمانچای طی کرده است به این عبارت که:

مردم امروز ایران از اینکه احتمالاً خطر جنگ بر طرف شده و باز احتمالاً محدوده تحریم ها سبک شود و یا تصورات واهی دیگر، موافقتنامه رابه نفع مردم و منافع جامعه میدانند و همانطور که ایرانیان عهد قرارداد ترکمانچای و گلستان اهمیتی نمیدادند که آن قرارداد ها چیست و هیچ واکنشی نسبت به آن نشان ندادند، ایرانیان امروز هم نمیدانند که ماهیت و ابعاد خطرناک موافقتنامه چیست و اساساً به منافع ملی اهمیت نمیدهند، که حساسیت آنها پی جوی ماهیت موافقتنامه بشود. کسی نوشته بود: حبا موافقتنامه موافقم به مصداق یک موی از خرس کندن غنیمت است، ماهم هر قدر کم از پولهای کشورمان را از آمریکا بگیریم غنیمت است بقیه چیزها در موافقتنامه حرف است.

## ملت ها و منافع ملی

ملتها باید خیلی با فرهنگ و پیاک فکر باشند که به منافع ملی اهمیت بدهند و آنرا بر منافع خود و یا مردم معتبر بدانند.

ایرانیان از زمانی که اسلام تحمیلی را پذیرفتند هم با منافع ملی احساس جدائی کردند و هم بملاحظه تاکیدات مذهبی شان به منافع جامعه، و حتی به منافع فردی ناشیه از کار و فعالیت بی اهمیت شدند و تحت قاعده تقدیر زندگی برای اسلام به موجودی بکل استثنائی تبدیل گردیدند.

آنچه در دوسه سطر بالا در رابطه تا تربیت اسلامی ایرانیان نسبت به منافع ملی و حتی منافع مردم عرض شد شخص خمینی آنرا در دوسطر ملخص حقوق اسلامی و تربیت و تکلیف اسلامی چنین گفته است:

«ما آمده ایم که قوانین اسلام را پیاده کنیم، نفت بچیم، استقلال بچیم، آزادی بچیم، ما اسلام میفولاهیم»

در جای دیگری گفته: «اقتصاد مال خراست» یعنی تقلا برای رفاه و معیشت تعلق به حیوان دارد نه انسان. یعنی نه منافع ملی و نه منافع فردی فقط منافع اسلام.

حقیقت فلسفه اسلامی در همین دو عبارت خمینی ملخص از آیات قرآن، کاملاً ملحوظ است و یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی آن، نمیتواند برخلاف این اصول متقن اسلامی، به منافع ملی و حتی منافع رفاهی روی آورد.

**اینکه خامنه ای در این سالها صحبت از ملت و منافع ملی میکند همه اغواگری و تقيه و برای فریب ناسیونالیست هاست.** حکومتی که مبنای مشروعیت آن قرآن و سنت است، نمیتواند بجای امت، که نسل حاضر بیعت کرده است به ملت توجه کند که نه بیعت آن با اسلام معلوم و نه بیعت آتی آنان مسلم است، نمیتواند بجای جنگ برای اسلام، برای منافع ملت و سرزمین و آب و خاک جنگ کند.

در همه پرسى که بموازات انتشار متن موافقت نامه ۵+۱ از اهالی ایران شد ۸۵ درصد عوام از امضای موافقت نامه بدلیل امید به رفع تحریم ها و فراهم شدن رفاه و زندگی استقبال کردند. معنای آن این است که ۸۵ درصد مردم اهمیتی به منافع ملی که از طریق همین موافقت نامه در خطر نابودی است نمیدهند که البته همین ۸۵ درصدی هم که به استقبال رفاه و زندگی رفته اند ترک مواعید خدا و قرآن را گفته اند و فکر و عقلشان به (الغریق ویتشبت بکل حشیش) نزدیک است.<sup>۲</sup>

در شورش ۵۷ شعار پول نفت در کنار سفره و آب و برق مجانی که وعده منافع فردی بود جای توجه به منافع ملی و دستاوردهای عظیمی که نصیب ملت شده بود باقی نگذاشت.

آن رویداد ننگین و فراموش نشدنی زنده ترین شاهدهی است که نشان میدهد ایرانیان حاکمیت ملی و منافع ملی و ارزشهای تاریخی و فرهنگی را تحت الشعاع وعده های رفاهی میگیرند.

### **اعلیحضرت و نفع مردم**

در آن سالهای قبل که اعلیحضرت در مقام موجودیت شخصی اظهار نظر میفرمودند و مانند امروز از موهوم و نا پیدا نمایندگی نمیکردند، در رابطه با توجه مردم به منافع فردی چنین نظر داده بودند:

«مردم همینکه قدری آزادی به بینند مثلاً خانم ها اجازه داشته باشند روسری شان را کمی به عقب ببرند اظهار رضایت میکنند».

<sup>۲</sup> - غریق (کسی که در حال غرق شدن است) به هر چیزی دست می اندازد - ح-ک

## **درتأید اینکه ایشان هم مانند مردم به منافع ملت کم اهمیت هستند همین بس که سی سال است امرنجات ایران را موکول به حمایت و دخالت کشورهای خارجی میدانند بدون اینکه به اثراین دخالت ها در منافع ملی توجه داشته باشند**

کار این بی توجهی تا بدانجا کشیده شد که رضایت به تجزیه کشور، با خواسته‌های آنی و خیالی معامله شد، آنهم با تضمینات کافی سه امضائی.

جامی بیت معرفی دارد که نشان از انزجار و نسبت به کسانی است که منافع ملت را فدای منافع شخصی میکنند.

### **سگ بر آن آدمی شرف دارد که چو خریدیده بر علف دارد**

حکیم فردوسی بی‌تی دارد که دقیقاً تعریف جامع منافع ملی را بیان میکند.

همه سر به سرتن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

### **ابهام مشترک در قرارداد گلستان و موافقت نامه ۵+۱**

موقعی که خواستند عهدنامه گلستان که بیشتر متوجه خطوط سرحدی متصرفات روسیه و ایران بود را پیاده کنند، متوجه ابهاماتی شدند که در قرارداد گلستان وجود دارد و با همه تلاشی که نمایندگان ایران کردند توافقی حاصل نشد و حکومت گرجستان با قوای نظامی، گوکچای که مورد اختلاف بود را اشغال و از منطق <در مورد تسویه اختلاف، حق باقوی است> پیروی کرد.

دولت روسیه در مقابل اعتراضات ایران تنها در این حد راضی شد که گوکچای را بدهد و در عوض اراضی کپان را از ایران بگیرد.

ابهامات موجود در قرارداد گلستان که سبب جنگ دیگر و شکست سنگین ایران و تحمیل عهدنامه ترکمانچای به ایران شد نقطه مشترکی است که در موافقتنامه ۵+۱ وجود دارد و در مورد اختلاف و تفسیر آن ابهامات بطور طبیعی حق باقوی یعنی آمریکا خواهد شد، در تطبیق مورد آمریکا خواهد گفت قدری از تحریم ها را بر می‌دارم بشرط آنکه فلان درخواستهای جدید آمریکا را ایران به پذیرد، و ایران هیچ راهی جز همان راه فتحعلیشاه را ندارد، یا باید با آمریکا جنگ کند و کارش به قرارداد ترکمانچای دیگری برسد و یا باید همچنان در وضع تحمل تحریم ها باقی بماند. ولی متأسفانه راه دوم راه موافقت نامه بسته است یعنی خودداری ایران از انجام تعهدات، علاوه بر تحریم ها تازه جواز حمله نظامی آمریکا به ایران هم خواهد بود.

### **تمایز در قرارداد ترکمانچای و موافقتنامه ۵+۱**

ابهاماتی که در قرارداد گلستان بود و ایران را به جنگ دوم با روسیه کشید سبب شد که عاقدین قرارداد ترکمانچای اشتباهات قرارداد گلستان را تکرار نکنند و با دقت بیشتر قرارداد را تنظیم و امضا کنند.

**چنانکه در اجرای آن هیچ اختلافی بوجود نیامد و تکلیف ایران کاملاً معلوم بود درحالیکه موافقتنامه ۵+۱ استخوان لای زخم است و به هیچوجه محدوده ای برتعهدات ایران و آمریکا برقرار نشده و نه تنها به معیار حق باقوی است بلکه درموافقتنامه حقوق آمریکا به امرتشخیص و رضایت آن کشور هم کشیده شده است.**

درقرار داد ترکمانچای وضع ایران کاملاً روشن شده بود خلع ید ایران از شهرهائی به نام و نشان و پرداختن خسارت نقدی به روسیه و نیز ایجاد حق کاپیتولاسیون و حقوق گمرکی و مهمتر از آن ضمانت اجرای عدم تعهد ایران و روسیه تعیین شده بود چنانکه مقرر شده بود که اگر ایران خسارات جنگی روسیه را نپردازد روسیه حق اشغال آذربایجان را دارد و متقابلاً بپرداخت اقساط خسارت، روسیه اراضی اشغالی را تخلیه کند.

بهرحال قرارداد ترکمانچای هر چند که بضرر ایران و تمامیت ارضی کشور بود ولی تکلیف ملت و دولت روشن بود و این چیزی است که ابدا درموافقت نامه ۵+۱ منظور نشده و اختلاف ایران و آمریکا و برعکس، بر امر و یا امرثابتی مستقر و معلوم نشده که باز تعهدات محدودی را شامل شود. هرخواسته جدید مد روز میتواند بطورجدی مانع فیصله موضوع اصلی موافقت نامه یعنی انرژی اتمی باشد و چون ایران عملاً منزوی و گرفتار بحران مالی و اقتصادی شدید است کاری جز زانو زدن و تسلیم در مقابل از دست دادن منافع ملی نخواهد داشت.

**درمعرضه ای که بنام موافقت نامه ببازیگری آمریکا جاری است هرچیز که درگوشه تاریک روابط سیاسی گذشته ایران و آمریکا وجود دارد مورد بازبینی دوباره آمریکا قرار خواهد گرفت. تمام ترتیبات و اعتراضات حقوق بشری درست و نادرست حتی گاهی در جایگاه مطالبه آمریکا بمنظور یک توافق اصولی (عنوان مستقر در توافقنامه) قرار خواهد گرفت. حقوق اقلیت های مذهبی و اقوام ایرانی که سالهاست سیاست آمریکا بر جدائی آنها از ایران متمرکز است، در قاعده اجرا وارد موافقتنامه خواهد شد. مسئله عدم حمایت از فلسطین و شناسائی اسرائیل از اعلی توجه خاص موافقتنامه خواهد بود - آزادی ایرانیانی که برای آمریکا جاسوسی میکرده اند و مجازات سردمدارانی که خفت و حقارت رابه پرچم آمریکا معمول و مستمر ساخته اند و دیگر چیزهائی که هم اکنون در قرارداد امنیت افغانستان می بینیم از قبیل مصونیت قضائی و حق ورود سربازان آمریکائی به منازل مردم و متوقف ساختن فعالیت های دریائی و موشکی و فضائی و بطور کلی هرچیزی که باجنگ عراق و اقامت ده ساله در افغانستان بدست نیاوردند با این موافقت نامه و سلاح تحریم براحتی بدست خواهند آورد.**

### **ضابطه حقوقی موافقتنامه و ترکمانچای**

برای اولین بار بموجب قرارداد های گلستان و ترکمانچای حق مصونیت قضائی به اتباع روسیه داده شد و به اعتبار همان حق، و نیز اصل کاملت الوداد، کشورهای دیگر هم به حق مصونیت قضائی رسیدند در کلامی روشن قرارداد ترکمانچای حق کاپیتولاسیون را در عصر حقوقی آن زمان برسمیت شناخت.

بطوریکه استحضار دارید تحریم های خودسرانه آمریکا و بتبع آمریکا، اتحادیه اروپا امری بیسابقه و خلاف منشور سازمان ملل است ولی درکمال تاسف امضای موافقت نامه از سوی ایران که قبل از موافقتنامه متضرر از تحریم ها و معترض محسوب میشد و همین اعتراض و عدم رضایت ایران، مانعی بود که تحریم ها بصورت یک رویه حقوق بین الملل درآید. اکنون موافقتنامه نوعی حقانیت برای تحریم های خودسرانه

آمریکا و اتحادیه اروپا بوجود آورده است که بارضایت و تائید ایران همراه است و این روال رویه ای خواهد شد که آمریکا و اروپا نسبت به کشورهای دیگر مخالف آمریکا از همین رویه استفاده کنند، چنانکه در جریان اخیر اوکراین، موضوع تحریم اوکراین در اتحادیه اروپا مطرح شد.

در تشابه موضوع موافقتنامه با قرارداد ترکمانچای ایجاد حق بیسابقه ای در عصر حقوقی آن زمان و امروز است که قرارداد ترکمانچای ایجاد کننده کاپیتولاسیون شد و موافقت نامه ۵+۱ ایجاد کننده یک رویه حقوقی بین المللی.

### **رویه حقوق بین الملل**

مسئله انرژی اتمی ایران که ممکن بود به جنگ کشیده شود بایک سری تحریم های شورای امنیت و بیشتر تحریم های خودسرانه آمریکا و اتحادیه اروپا به کیفیت مورد نظر آمریکا و ۵+۱ حل خواهد شد و حقوق بین الملل با راه حلی که از تحریم های خلاف منشور سازمان بنا شده و موفق هم بوده آشنا شده است. بنابراین آنچه بر ایران، در پی آمد موافقتنامه ۵+۱ خواهد آمد از رویه تازه حقوق بین المللی اعتبار خواهد یافت.

میتوان گفت گذشت ایران از اعتراض به تحریم ها و اثرات آنها بر مردم و کشور و ایجاد حقانیت و مشروعیت برای آن تحریم ها با امضای موافقتنامه بزرگترین دستاوردی است که جمهوری اسلامی برای آمریکا و غرب بوجود آورده و جاده بین المللی را برای دخالت آمریکا در امور کشورها با سلاح تحریم های خودسرانه باز و بی مانع ساخته است.

**بیچاره خر آرزوی دم کرد      نایافته دم دوگوش گم کرد**

ناتمام